

نوشته: پرفسور نه ایجی ایموتو \*

برگردان: دانشجویان رشته فارسی  
دانشگاه مطالعات خارجی اوسا کا

## هشت گوشه و رمز و راز آن

ای آمده از عالم روحانی تفت حیران شده در پنج و چهاروشش وهفت  
هیسات ندانی ز کجا آمده ای افسوس ندانی به کجا خواهی رفت

خیام چنان در ششدر حیرت در راز و رمز چهار عنصر و پنج حس و شش  
جهت و هفت آسمان سرگردان است که به معماهای دیگر عالم نمی رسد، و اکنون  
استاد نه ایجی ایموتو رئیس بخش فارسی دانشگاه مطالعات خارجی اوسا کا در تحقیقی  
دقیق و فراگیر کوشیده است معمای طرح هشت گوشه را بررسی و ریشه و مایه این  
نقش و ترکیب جادویی و نمادین را در اینسو و آنسوی شرق افسانه ای و در پهنه باختر  
زمین باز شناسد.

شماره هشت در ژاپن معنایی رمزی و آیینی دارد. نیهون شوکی، تاریخ باستانی  
و افسانه آمیز ژاپن، در داستان آفرینش می گوید که ایزانامی و ایزاناگی از تیره خدایان  
آسمان دیدار کردند و شیفته هم شدند و از پیوندشان هشت جزیره اصلی ژاپن یکی پس  
از دیگری به دنیا آمد که «کشور بزرگ هشت جزیره» نامیده شد. شاهزاده  
ماگاری-نو-اوهینه در بیان دلدادگی خود به شاهزاده خانم کاسوگا از «سرزمین  
هشت جزیره» که همان ژاپن است یاد می کند. «سرزمین هشت جزیره» در شعر  
ژاپن بجای نام این کشور بسیار آمده است.

در همان افسانه آفرینش در تاریخ باستانی ژاپن، چون ایزاناگی در پی همسر از دست رفته‌اش به ظلمات می‌رود تا او را به این جهان باز گرداند، خود را با هشت خدای رعد روبرو می‌بیند.

افسانه‌ای دیگر در نیهون شوکی می‌گوید که سوسانو-وو - نو - میکوتو از نژاد خدایان ازدهای هشت سر و هشت دم را که تنش کوه و هشت دره را می‌پوشاند و هشت دختر یک زوج از خدایان زمین را سال بسال و یکی از پی دیگری دریده و در کام فرو برده (یادآور داستان ضحاک) و اینک برای بردن دختر دیگر آمده بود، به تمهیدی مدهوش ساخت و سپس او را با شمشر از هم درید.

طالع‌بینی و آینده‌گویی که هنوز ژاپنی‌ها بیش و کم به آن عقیده دارند و حضور فالگیرها شب هنگام در سر کوی و گذر نمودار این باور است، بیشتر با طرح هشت خانه‌ای که از چین آمده است انجام می‌شود.

در طبع زیبایی‌شناس مردم ژاپن تقریباً هر جای خوش منظری هشت نما یا دیدگاه دارد. معروفترین نمونه آن هشت منظر دریایچه بیوا ("اوه می‌هاکی") نزدیک کیوتو است که آنرا چنین می‌شمارند: منظره ماه پاییز از ایشی‌یاما، منظره برف در شب از هیرایاما، منظره غروب در سه تا، ناقوس شبانگاه در می‌ایدرای، منظره بازگشت قایق‌ها در کاراساکی، و، سرانجام، چشم‌انداز مرغابیهای وحشی هنگام فرود آمدن در تاکاتا.

هشت (بژاپنی "یاتسو") در ادبیات قدیم در بسیاری جاها بمفهوم اصلی آن، «بسیار»، آمده است. یاتا گاراسو، کلاغ چندین پا، که در واقع فقط سه چنگال دارد، از این نمونه است. کلمه ژاپنی یورودزو بمعنی بیشمار نیز از همین ریشه است و هشت در اینجا مانند هزار فارسی است. در نیهون شوکی در شرح رویداد روز بیست و هشتم ماه دوم سال بیستم پادشاهی ملکه سویکو از هشت خانواده بزرگان سخن به میان آمده که به همان مفهوم هزار فامیل در فارسی است.

در سنت ایرانی و ادب پارسی نیز هشت، هر چند که به منزلت هفت نمی‌رسد، باز مفهومی نمادین دارد: هشت گنج خسروپرویز، «هشت صفات» که صفات مردان خداست، و هشت باغ یا هشت جنت یا هشت بهشت ازین نمونه است. خاقانی می‌گوید:

زنه‌هواس برون شوبوکوی هشت صفات که هست حاصل این هشت، هشت باغ بقا  
تحقیق پر نکته استاد ایموتو را دانشجویان سال دوم رشته فارسی دانشگاه  
مطالعات خارجی اوسا کا از ژاپنی به فارسی برگردانده‌اند. احتمال دارد که تلفظ نامهای

خارجی، بعلت برگردان آنها به ژاپنی و سپس به فارسی، بعضاً دقیق نباشد. متنی که در زیر می‌خوانید نوشته دانشجویان ژاپنی است که آنرا تنظیم و هماهنگ کرده‌ام. نام این ایراندوستان، جوان در زیر می‌آید تا در این دفتر به یادگار بماند:

ماساکو آداجی، کیکو فوجی، کازو کو فوکوموتو، یاسونه ایباراگی، توشیمی ایتو، میسائو کامیکورا، تتسویا کامورا، یومیکو کاشی‌هارا، هاتسویه کاتو، تویو کو موریتا، ساچیه موری یاما، میتسوهیرو سایتو، ساتوشی شیمویاما، هارو کو تاکاناشی، آکیکو تا که زاکی، مایومی اوئه هیرا، هیرومی یابوشیتا، و، یوشیاکی یامامورا

هاشم رجب زاده

### هشت گوشه و رمز و راز آن

این روزها معنای رمزی هشت گوشه مورد توجه است، بویژه که گور امپراتور قدیم ژاپن در آسوکا (درنارا) بر پایه هشت‌بر بنا شده است. سخن اینست که نمای هشت گوشه و ظهور آن در ژاپن نتیجه نفوذ آیین بودا یا بیشتر بتائیر تمدن چین است. از آنجا که جز ژاپن و چین، در باختر آسیا هم نمونه‌هایی از نماد «هشت» هست که معنایی رمزی دارد، نخست به این نمونه‌ها می‌نگریم.

در ایران از هنگام باستان، هشت گوشه معنایی رمزی داشت. سرپرسی سایکس (P.M. SYKES) در کتابش بنام «ده هزار میل در ایران» می‌نویسد که در میدان چخماق یزد نمایی هشت گوشه از آجر بلندی حدود سه متر برپاست. این نما را کلک می‌نامند و آن ظرفی است ساخته از گل که برای گذاشتن ذغال چوب بکار می‌رود. این آتشدان در چشم سایکس شگفت آمده، زیرا که چنین پایه و آتشدانی در هر نیایشگاه زرتشتی هست، و چنین می‌نماید که معماران اسلامی در یزد و کاشان این طرح را از نمادهای دین زرتشت گرفته‌اند. در ایام محرم بر این پایه چراغ می‌گذارند یا، در صورت نیاز، آتش روشن می‌کنند و محوطه را برای سینه‌زنی و عزاداری شهادت امام حسین (ع) آماده می‌سازند.

در آیین زرتشت ستون هشت بر و سرسرای هشت گوش در بنای آتشکده بکار می‌رفت و هشت را عدد مبارکی می‌دانستند. آتشدان در سرایی هشت گوشه که از هشت ستون ساخته شده و هشت دروازه داشت و بی سقف بود، نهاده شده بود (تصویر روی جلد کتاب " آیین زرتشت " نوشته آکینوری، نشر هیراکاوا، ۱۹۸۲؛ عکس از ناٹوکی اوئه بایاشی).

در ایران باستان الهه آب با تاجی هشت بر تصویر می‌شد. این الهه تاجی دایره

مانند بر سر داشت که با صد گوهر و نقش زرین به هشت بر تقسیم می‌شد و آراسته بود (اوستا، یشتها، ۵ : ۱۲۸). طرح آن را اوستا «چرخ مانند» نوشته است؛ پس به نظر می‌آید که تاج مانند باشد، یا شاید کلاهی هشت بر مانند تاجی که «کانون» \* بر سر دارد.

(در آیین ایران باستان) هشت اسب سفید کالسکه‌ای را که اهورا مزدا بر آن سوار بود، می‌کشید. بگفته هردوت، در سفر خشایارشا به یونان، هزار نگهبان شخصی پادشاه پیشاپیش می‌رفتند و در پی آنان ده ده اسب فرشتگان می‌آمد و بدنبال آن کالسکه اهورا مزدا که هشت اسب سفید آنرا می‌کشید. خشایارشا از پی این موکب پادشاهی راه می‌پیمود (یشتها، ۷ : ۴۰). در اینجا می‌توان دید که عدد هشت با نگاره آیینی اهورا مزدا پیوسته است.

میترائیسم که در رم برآمد قرینه آیین میترا در ایران باستان است. در این آیین نماد «هفت» و «هشت» نمایان می‌شود.

در نیایش آیین میترا درباره زندگی جادوان می‌گویند که هفت پله یا هفت عرش را بالا می‌روند و در پایان، از دروازه هشتم می‌گذرند و به ابدیت می‌رسند. در بین‌النهرین الهه‌های برای رفتن به عالم سرمدی از هفت دروازه گذشت. در اینجا دروازه هشتمی نیست.

هرودوت دژ و بارویی را وصف می‌کند که هر حصار آن، یکی در میان دیگری، سفید و سیاه یا ارغوانی و آبی یا رنگ دیگر داشت و درون حصار میانی، قصر و خزانه بود. چنین می‌نماید که در اینجا قصر را با هشت حصار و دروازه ساخته بودند.

نمونه دیگر بنای گنبد سلطانیه در حدود صد و سی کیلومتری غرب قزوین، مقبره هشت گوشه سلطان خداپنده از خاندان ایلخانان ایران است. اولجایتو، ایلخان پیش از او که طرح این مقبره را ریخت، می‌خواست که بقایای تربت حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) را از نجف (و کربلا) به اینجا بیاورد. اما نیتش راست نیامد و این بنا مدفن خود ایلخان شد. این مقبره ساختمانی هشت گوشه دارد که گنبدی بر بالای آن زده و در هر کدام از هشت گوشه مناره‌ای ساخته شده است. این ترکیب به بنای مقبره تاج محل هند شباهت دارد.

در دوره قاجار در کنار قصر شاهی ساختمان هشت بر شمس‌العماره ساخته شد، که گمان می‌رود که رمز و راز آن - هر چند که داستانونه است - همان باشد که

\* کانون (Kwannon) در آیین بودا الهه رحمت شناخته می‌شود.

در باره بنای هشت گوشه در ژاپن است. ازین بنا در کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی (ترجمه ژاپنی پرفسور شوکو اوکازاکی، نشر هیئونشا، ۱۹۸۴) یاد شده است. بلندی این عمارت ۳۰ متر است و (در تهران قدیم) از همه جا دیده می‌شد. شاه اغلب در این عمارت استراحت یا در بالای آن هواخوری می‌کرد. زنی را برای مجازات از بام این عمارت بزیر انداختند (همان کتاب، ج ۲، ص ۶۸). این عمارت هشت گوشه اقامتگاه خصوصی شاه و در همان حال مکان به کیفر رساندن محکومان بود. از آنجا که مجازات نشانه حاکمیت است، مردم تهران (عصر قاجار) همان ترسی را از تخت طاووس در دل داشتند که شاید مردم روزگار عباسیان از بارگاه و تخت خلیفه داشتند. مقبره رضاشاه، بنیانگذار خاندان پهلوی، در شهری، هشت گوشه ساخته شد که نشانی از ادامه مقبره خدابنده در سلطانیه است.



هرودوت در وصف معبد بابلی جگرات می‌گوید که آن بنای هشت چینه‌ایست که بر بالای آن معبدی دیگر هست و در این معبد تختی است برای غنودن رب‌النوع و زنی که خدمتگزار اوست. رب‌النوع اینجا می‌آمد و بر این تخت می‌آرامید. این داستان در مصر نیز هست. این برج هشت گوشه نشانه ارتباط میان الهه و خدمتگزار اوست. در خاور باستان تصویر الهه با عدد هشت ارتباط دارد.

هرودوت می‌گوید که از دوازده خدایی که یکی از آنها هرکول (Hercules) مصر است، هشت خدا پدید آمد. تا دوره اماسیس (Amasis یا «احمس» از شاهان مصر باستان) هفده هزار سال گذشت. گمان می‌رود که این هشت خدا بر شرق و غرب و جنوب و شمال و چهارسوی میان آنها (شمال شرق و شمال غرب و جنوب شرق و جنوب غرب) متوکل بودند. چنین ترکیب و تصویری در آیین بودا هم هست.

در آیین بودا از «هاپوتن» که خدایان هشت گوشه عالمند، با افزودن خدایان نگهبان آسمان و زمین «جوتن» (خدایان دهگانه) را ساختند. هشت خدای افسانه‌ای ژاپن مانند تاکاموسوبی نوکامی، کامی موسوبی نوکامی، تاماچومه موسوبی نوکامی، و ایکوموسوبی نوکامی خدایان حافظ سرای امپراتورند، و از روزگار باستان «هاسهیندن» نیایشگاه آنها بود. بعدها این نمایشگاه به معبدی در کوه یوشیدا در کیوتو، که اکنون یکی از سه معبد بزرگ است، جابجا شد.

خدایان هشتگانه در افسانه‌های ژاپن به هشت سو یا هشت گوشه عالم تعلق

ندارند، اما آیین ویژه‌ای در نیایش بسوی خدای خاندان امپراتوری هشت خدا ( " شین شیکان " ) را همچون خدایان بزرگ تقدیس می‌کرد. و نیز هنگامی که کاگو تسوجی از ایزانامی نومیکوتو (نیای بزرگ خاندان امپراتوری ژاپن در افسانه‌ها) به دنیا آمد، بنبندش از هم جدا شد و ازو خدای هشت ستون پدید آمد: دیگر هاشوشین، راه سایه روشن در عهد نیهون شوکی \* که خوشبختی و بدبختی در فرمان او بود.

در سومر ستاره هشت پر نشانه خدا و آسمان است و نام و مظهر خدای آسمان یا خدای بزرگ سومر می‌باشد. این نشانه در بین‌النهرین نمودار تنها مظهر آسمان بنام شاه نارام سین، پسر برادر سارگون است (از کتاب " خاور باستان "، نوشته جاک فینگان، ترجمه تاکاهیتو میکاسا نومیا، نشر ایوانامی، ۱۹۸۳، فصل ۲۴، ۵۰). در کتاب «خاورمیانه قدیم براساس آثار نقاشی» (نشر دانشگاه پرینستون، چاپ دوم، ۱۹۶۹) بسیاری نمادهای هشت گوشه گوناگون بین‌النهرین را می‌توان دید. در این تصویرها، نماد هشت گلبرگ یا هشت چرخ هست، بهرروی، این قابل توجه است که این نمادهای هشت بر باور انسان به خدا را می‌نمایاند.

یهودیان و هم مسیحیان و مسلمانان جایی در بیت‌المقدس را که «قبة الصخره» نامیده می‌شود مقدس می‌دانند. یهودیان عقیده دارند که در اینجا ابراهیم پسرش اسحق (اسمعیل) را برای قربانی کردن آورد. عبدالملک خلیفه اموی در سال ۶۹۱ میلادی گنبد باشکوهی با پایه هشت گوشه ساخت در چند متری این گنبد و در شمال غرب آن پایه هشت گوشه‌ای است که می‌گویند پایگاه معراج حضرت محمد (ص) بوده است.

نمی‌توان ازینجا گفت که نشانه هشت گوش را اسلام به اینجا آورده، زیرا که این نشانه در یهود هم هست. علامت دولت یهود ستاره‌ای است (شش پر) که روی سکویی هشت گوش و دو مرتبه ایستاده است. این نشانه بر طاق نصرت یادگار پیروزی سربازان روسی امپراتور تیتوس نیز حک شده است، و اکنون هم بر برج یادبود مقابل پارلمان دولت یهود جلوه دارد.

امر شایان توجه در اینجا اینست که جز نشانه هشت، نماد هفت هم که شمعدان هفت شاخه است، می‌توانیم ببینیم. می‌شود چنین دریافت که نشانه هشت گوشه در بنای

\* در «نیهونگی» یا «نیهون شوکی» تاریخ باستانی و افسانه‌ای ژاپن از آغاز تا سال ۶۹۷ میلادی، آمده است که زوج خدایان بنام سوسانو اونو میکوتو و آماته راسو نو اومی کامی از خردده‌های شمشیر سوسانو سه دختر و از رشته جواهر بهشتی آماته راسو پنج پسر بوجود آوردند که آنها را اکنون بنام هاجی - نو - جی (هشت شاهزاده) نیایش می‌کنند: نگاه کنید به:

گنبد و سنگ، نمادی پیوسته با نژاد سامی است. می‌توان انگاشت که سکوی هشت گوش، مکان قربانی کردن بود و اینست که در آنجا این نشانه را نهاده‌اند. تخته تعمیدی هم که در تعمیدگاه کلیسای عیسوی است هشت گوش است. صفت تعمید هم می‌بایست، در اصل، قربانگاه بوده باشد. در این مکان یا در کنار آن، آب حیات برمی‌جوشید. گمان می‌رود که این چشمه آب حیات هم نمادی مانند صفت تعمید در این جایگاه بود. نیز می‌توان پنداشت که سنت عیسوی غسل تعمید دادن نوزاد جایگزین رسم قدیم کنعانی عرضه داشتن فرزند برای قربانی شد.

در شمال اکروپولیس در آتن، خرابه‌های آگورا است، بازمانده از دوره تسلط روم، و نزدیک دروازه برج اندرونیکوس که از سنگ مرمر ساخته شده است. این برج هشت سر دارد و هر ضلع آن سمت دقیق شمال، جنوب، مشرق و مغرب و چهارسوی میان آنها را نشان می‌دهد. در درون برج، گاه نمایی آبی بود. ستون هشت بره، نمادی دیگر از سنگ جهت نما است. جهت نما و گاه نما (ساعت شمار) در دروازه قربانگاه آگورا پیوند این دو نماد را نشان می‌دهد. از نمونه سنگ جهت نما در ژاپن، سنگ کوه هیپوری در ناحیه توبا مشهور است. در اینجا سنگ هشت گوش پس از دوره ادو (سده‌های هفده تا نوزده میلادی) در زندگی روزانه به کار می‌آمد. ستون هشت بر و بنای هشت گوشه زرتشتی که از آن یاد شد نیز نخست قربانگاه بود و سپس تحول پیدا کرد و به ستون و کاخ بدل شد. مقبره هشت گوشه هم شاید که در آغاز بنایی بود که در آن قربانی پیشکش (خدایان) می‌کردند، و با گذشت روزگار به صورت آرامگاه درآمد.

در درفوی (در یونان) هر هشت سال یکبار جشن عجیبی برگزار می‌شد و در آن شاه به مردم خود غله می‌داد. درست‌تر اینست که تداول ۸ بعنوان عدد مقدس تا دوره متون بود، هنگامی که تقارن ۱۹ سال خورشیدی (۲۲۸ ماه خورشیدی) و ۲۳۵ ماه قمری به تقویم راه یافت (این را در چین باستان "شوء هوء" می‌گفتند). می‌توان تصور کرد که این تحول به یونان محدود نبوده است. هر تمدنی که علم نجوم را پیشرفت داد، به این جا رسید. دور ۷ برای سال کیسه دور "متون" است، و سه سال کیسه در دور ۸ ساله بود، و از اینرو شماره ۳ را مقدس دانستند. این دور گاه ۷ و گاه ۸ به نظر می‌آید، و شاید این بازمانده دوره‌ای باشد که با رواج دور «متون» هر شماره پرشگون و مبارک بود. در افسانه «مینوس شاه» هر هشت سال ۷ پسر و ۷ دختر به قربانی و نیاز خدایان فرستاده می‌شوند. این قربانی‌ها اگر زنده می‌ماندند در سیاهچال زندانی

می‌شدند، یا که آنها را در آتش می‌انداختند و می‌سوختند تا امپراتور را زندگانی بخشند.

در جشن عجیبی که هر هشت سال در " درفوی " برپا می‌شد، پادشاه به مردم غله و حبوبات پخته می‌داد و سپس با پا به تندیس دختری که پایه تخت او را گرفته بود می‌زد. آنگاه ریسمانی به گردن آن تندیس می‌بستند و در گودالی دفنش می‌کردند (فریزر J.G. FRASER، " افسون نفرین و سرنوشت پادشاه "، ج ۱، ۱۹۱۱، ص ۴۶). گمان می‌رود که این مراسم به دوره هشت ساله پادشاهی مربوط است. بواقع هم در اسپارت دوره فرمانروایی پادشاه هشت سال بود. دوره هشت ساله ازینجا پدید آمد که نود و شش ماه شمسی که هشت سال می‌شود با نود و نه ماه قمری برابر است. پایه و مایه این فکر اینست که دوره پادشاهی و نیز نیروی فرمانروایی هر دو نو شود. می‌گویند که در این میان شاهزادگان مدعی تاج و تخت با پادشاه درافتادند و شاهزاده‌ای پیروز شد و بر تخت نشست، اما شاه بزودی او را کشت و سریر و نیروی فرمانروایی را باز آورد. این نکته نیز هست که اگر هم پادشاه همه عمر بر سریر خود بماند، باز هر هشت سال یکبار پیوند زندگی را با بانوی خود تجدید و باینوسیله نیروی خود را احیا می‌کند. شاید که این زمینه و تعبیر بتواند روشنگر جشن عجیب «درفوی» باشد (نگاه کنید به فریزر J.G. FRASER، خدائی که می‌میرد، ۱۹۱۲). در باور یونانیان باستان، هشت سال دوره کوتاهتری از تجدید عالم بود، و نیز هشت جهت همه سوی عالم را نشان می‌دهد. و باز، هشت سال قمری با افزودن سه ماه به آن با هشت سال شمسی برابر می‌آید.

در نوشته‌های بودایی درباره شاکيامونی (بودا) هشت جای مقدس را می‌یابیم:

- اول - باغ رو نبینی که او در آنجا به دنیا آمد،
  - دوم - پای درخت بودهی (بوده) که در آنجا شا کا یا معرفت را دریافت،
  - سوم - قصر واراناسی، که در آغاز در آنجا آموخت،
  - چهارم - بیشه گیدا، که در آنجا اهریمن و نیروی ایمان بودا پیکار کردند،
  - پنجم - قصر کانیا کوبجا که از سی و سه مرتبه آسمان در آنجا فرود آمد،
  - ششم - قصر لوشا که در آنجا بودا انبوه مریدان را آموخت و به رستگاری رهنمون شد،
  - هفتم - قصر کوگن که در آنجا در کار و زندگی اندیشه کرد، و
  - هشتم - در نزدیکی یک جفت درخت سالا که شاکيامونی در آنجا از جهان درگذشت.
- تعالیم آیین بودا هشتگانه است. آموزشهای اخلاقی پادشاه یونانی و نیز امپراتور



ژاپن هم هشت تا است.

می‌گویند که شمار هشتاد و هشت مکان مقدس شیکوکو \* با عدد هشت و راز و رمز تقدس آن رابطه دارد.

چون شاکيامونی درگذشت، خاکستر او را نخست به هشت بخش و سپس به بخش‌های بیشتر تقسیم کردند و به جاهای بسیار (به تبرک) فرستادند.

در بین النهرین چرخ‌ی با هشت پره بود که همانند آن در هند بنام هورین، یادآور و مظهر روح بود. جالب است که در نقش سنگ‌های بازمانده در بامیان، جایی که فرهنگ بودایی و تمدن هلنیستی\* درهم آمیختند در طرح و تصویرها، جز نقش دایره که اندک است، هشت گوش زیاد دیده می‌شود.

از آنجا که طرح و بنای هشت گوشه در سراسر جهان هلنیستی مقدس شناخته می‌شد، نقش هشت گوشه‌های بامیان می‌بایست از سرزمین‌های باختر به شرق آسیا راه برده باشد، چون تصور می‌رود که بنای معبد هوریوجی در ژاپن هم در آغاز با طرح هشت گوشه پی افکنده شد، می‌توان گفت که طرح گور هشت گوشه امپراتور ژاپن در ناحیه آسوکا (نارا) هم از هلنیسم نفوذ پذیرفته است. درباره هشت گوشه در سنت معماری هند می‌توان انگاشت که این هم تأثیر هلنیسم در رسم و راه بودایی و هم برخاسته از سنت و فرهنگ محلی هند بود. در هند بنا و برج هشت گوشه هست که در عصر اسلامی ساخته شده است. مقبره تاج محل در هند که ادامه سنت الگوی مقبره خدابنده در سلطانیه ایرانست، نمای هشت بر دارد. تاج محل آرامگاه شاه جهان است که نیز پسرش او را در برج هشت گوشه قصر آگرا بازداشته بود و او آنجا در انزوا می‌زیست (نگاه کنید به: تاکایاسو هیگوجی، غارهای سنگی بامیان، نشر دوهوشا، ۱۹۸۰؛ و: ناتومی تسونودا و کومی مای، سیاحت هند، نشر هوای کوشا، ۱۹۸۰، ص ۴۳-۴۱).

بازداشتن ملکه (شاه جهان) در برج هشت گوش، در جایگاه برگزاری آیین نیایش که مکان پاک بود، نشانه آن بود که کسی را به عالم قدسی می‌فرستند. شوتوکو تایشی (نایب السلطنه و دولتمدار نامی ژاپن که از ۵۷۲ تا ۶۲۱ میلادی می‌زیست) به

\* هشتاد و هشت معبد در شیکوکو، جزیره اصلی ژاپن، که مؤننان بودایی زیارت این مجموعه را مایه رستگاری می‌دانند.

\* \* عصر هلنیستی (Hellenistic)، ۳۲۳-۳۰ پیش از میلاد، دوران پس از مرگ اسکندر تا عروج امپراتوری روم. این دوره برای استیلای فرهنگ یونانی بر مدیترانه و خاورمیانه معروف است.

یومه دونو (بنای هشت گوشه) رفت تا در آنجا در خلوت بماند. اما برج هشت گوشه برای گرفتاران همچون دوزخ بود زیرا که از آن راهی به بیرون نداشتند.

در ژاپن برجی چهار مرتبه در نیایشگاه شینشو آنراکو (معبد آنراکودر ناحیه شینشو در ایالت ناگانو) باز مانده است، و در کاتاکیاراهاجی در ناحیه نیشیکو در شهر کیوتو، پایه برج هشت گوشه متعلق به دوره نارا (سالهای ۷۱۰ تا ۷۸۴ که نارا پایتخت بود) پیدا شده است. در سایداچی هم آثار پایه هشت گوش برج یافته‌اند. تالار هشت گوشه‌ای در معبد هی زان هم اکنون برجهاست. در معبد هوریوجی هم ستون میانی بنای برج مقدسی که پنج مرتبه دارد، هشت گوشه است. این ستون از دو تنه درخت ساخته شده و حدود سی متر بلندی دارد. پایه زیرین چهار گوش است اما ستون میانی هشت گوشه دارد. بدینسان در هر دو نماد این بنا رمز هشت گوشه در کار آمده است.

**دنباله دارد**

\* \* \*

### کتابخانه ابراهیم دهگان

فرزندان فرهنگ پروریده و شریف مرحوم ابراهیم دهگان (دانشمند ایران دوست اراکی) نسبت پدرشان را برآورده کردند و کتابخانه او را که مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی و کتابهای خوب چاپی بود به کتابخانه عمومی شهر اراک سپردند. باشد، که شهر اراک و مقامات دولتی ارزش چنین بزرگواریهای فردی و اجتماعی را بدانند.

یک نسخه ماشین شده کتاب «مطبوعات ایران در نخستین سال انقلاب اسلامی ایران» تدوین اینجانب حاوی شناسنامه حدود ۴۷۰ روزنامه، مجله و بولتن، مفقود شده است. از یابنده خواهشمند است با تلفن ۶۸۵۱۵۹ تماس گرفته مؤذگانی خود را دریافت دارد.

مسعود برزین

### تسلیت

در مصیبتی که به دوست همکاران آقای محمدرسول دریاگشت رسیده است  
همدردی خود را ابراز می‌داریم. همکاران مجله آینده